



بررسی روابط بینامتنی قرآن در شعر شاعران نوگرای فلسطین و نقش آن در بیداری اسلامی

alisayadany@yahoo.com

علی صیادانی؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران
رسول بازیار؛ دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه تهران



چکیده

«بینامتنی» نظریه‌ای است به معنای ارتباط موجود میان هر متن ادبی با متون قبل و یا معاصر خود. این نظریه، با شیوه هنرمندانه‌ای که ناقد فرانسوی «ژولیا کریستوا» در آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی ارائه کرد، مورد استقبال شمار زیادی از نویسندگان و شاعران واقع شده است. در این میان، شاعران انتفاضه از جمله شاعرانی به شمار می‌روند که در راستای بیان اهداف والای انسانی و به منظور ارائه تصویر مظلومیت ملت فلسطین، به انجام این مهم برخاسته‌اند. این فن جدید، در اشعار شاعران انتفاضه به گونه‌های مختلفی به کار رفته است که بیشترین نوع رابطه «بینامتنی» آن با قرآن کریم از نوع مضمون است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، روابط بینامتنی (تناسّ)، شعر، شاعران انتفاضه.

مقدمه

جنبش انتفاضه، در زمینه ادبی، بخش وسیعی از آثار ادبی را به وجود آورده که تصویرگر پایداری ملت فلسطین در برابر ظلم و اشغالگری رژیم صهیونیستی است. این ادبیات نوپا، پا به پای ملت مظلوم فلسطین و زندگی روزمره آنان، ادامه یافته است؛ تا جایی که توانسته است؛ از یک طرف آرمانهای ملت فلسطین و صحنه‌های شهادت طلبانه را به تصویر بکشد و از طرفی دیگر به گونه‌ای با ساکنان سرزمینش همراه شود که بتواند چهره منفور رژیم صهیونیستی و سیاستهای اشغالگرانه آنان را به عدالت خواهان حق‌باور معرفی نماید. (۱)

جنبش انتفاضه، اثر مثبت خود را بر ادب عربی بر جای نهاده است؛ چرا که نویسندگان و شاعران عرب تحت تأثیر این جنبش، مبارزات قهرمانانه ملتی را به تصویر کشیده‌اند که هرگز در برابر اشغالگر قد خم نکرده است.

شاعران انتفاضه فلسطین، در راستای بیان موضع‌گیریها و ارائه دیدگاههای خود، آرایه‌های ادبی نوینی را به کار برده‌اند که شامل: «پارادوکس، تناسّ و اقتباس از میراث ادبی اسلامی» است. (۲)

«تناسّ» یکی از گسترده‌ترین عناصر ادبی است که در شعر انتفاضه فلسطین، به کار رفته است. در این فن جدید، هر متنی دارای یک و یا چند سند مختلف می‌باشد که برای فهم و تحلیل

آن، باید به آن اسناد مراجعه کرد. (۳)

در واقع می‌توان گفت که از ویژگی‌های برجسته این شاعران متعهد، ارتباط بینامتنی اشعارشان با قرآن کریم می‌باشد که نشان می‌دهد؛ متن قرآنی را آگاهانه به کار گرفته‌اند، تا بتوانند اهداف مورد نظر خود را به بهترین و دقیق‌ترین شکل ممکن بیان کنند. (۴)

نظریه بینامتنی (تناص)

نظریه‌ای است که به روابط بین متنی می‌پردازد و موجب آفرینش متن جدید می‌شود. (۵) برای نخستین بار، ژولیا کریستوا در دهه ۱۹۶۰م در ترجمه تعبیر میخائیل مخائیلوویچ باختین، از گفتگومندی (dialogism) که آن را در دهه ۱۹۳۰م، معرفی کرده بود، اصطلاح intrtextualite (بینامتنیت) را به کار برد. گفتگومندی به رابطه ضروری هر پاره گفتاری با پاره‌های دیگر اطلاق می‌شود. «ژولیا کریستوا» نظریه «بینامتنی» را برای تمامی متون، امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند و معتقد است که بینامتنی، فضایی است که در آن، متون مختلف با هم برخورد می‌کنند، در این عملیات، گفته‌های متعددی از دیگر متون با یکدیگر تقارن پیدا می‌کنند و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۶)

از نظر باختین، هر پاره گفتاری، می‌تواند به «مجموعه‌ای از نشانه‌ها»، خواه یک گفته، شعر، ترانه، اسطوره و خواه یک فیلم اشاره کند. به عقیده وی، هر متنی تقاطعی از متون دیگر است. (۷) مسائلی همچون، مرگ مؤلف، جریان‌ات ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی، و اساسی (Deconstruction) نقدهای تکوینی و نشانه‌شناختی، بر مطالعات بینامتنی تأثیرات بسزایی گذاشته‌اند. (۸) اصطلاح «مناسبات بینامتنی» را نخستین بار صورت‌گرایان (فرمالیست‌های) روس، به ویژه ویکتور شکولوفسکی در مقاله «هنر به مثابه تمهید»، به کار بردند، به گفته شکولوفسکی، میان تمامی تأثیرپذیرهای هنری، تأثیری که متن ادبی از متنی دیگر می‌گیرد، مهم‌ترین است. (۹)

پدیده بینامتنی را می‌توان در موضوعاتی همچون گفتگومندی میخائیل باختین، بینادذهنیست (Intersubjectivite) پدیدارشناسان، بینامتنیت (Intertextalite) ژولیا کریستوا و ترامنتیت (transtextualite) ژرار ژنت مشاهده نمود.

ژرار ژنت، گسترده‌تر و نظام‌یافته‌تر از کریستوا و رولان باروت عمل کرد، مطالعات ژنت، قلمرو ساختارگرایی باز و حتی پسا ساختارگرایی و نیز نشانه‌شناختی را دربر می‌گیرد. (۱۰) «ژرار ژنت» ناقد فرانسوی، بعداً این نظریه را توسعه داد، در حقیقت این واژه را در رابطه با (حضور هم‌زمان دو متن و یا بیشتر) و یا (حضور فعلی یک متن در متن دیگر) معرفی کرد. (۱۱)

کریستوا سهم بزرگی در مطالعات بینامتنی دارد، در واقع او بود که با وضع واژه بینامتنیت، افق نوینی را در مطالعات قرن بیستم گشود و کسانی همچون رولان باروت و بسیاری دیگر را متوجه این‌گونه از مطالعات نمود. به عقیده کریستوا، بینامتنیت، به رغم تصور اغلب افراد، به هیچ وجه بررسی تأثیرگذاری یک متن بر متن دیگر نیست. به عقیده وی «این بینامتنیت است که موجب پویایی و چندصدایی در متن می‌شود و هیچ متنی عاری از بینامتنی نمی‌باشد، بارت به وضوح این موضوع را اعمال می‌کند و می‌گوید: هر متنی بینامتن است.» (۱۲)

ناقدان غرب، اصطلاح «intertextuality» را به واژه «التناص» یا «النصوصیه»، به معنی «درهم تنیدگی متون» ترجمه کرده‌اند. اینان برای تحلیل گفتمان شعری به پدیده تناص اشاره کرده‌اند. ناقدانی چون صبری حافظ، محمد عزام، صلاح فضل و ... در این زمینه، مقالات و کتابهای بسیاری نوشته‌اند. (۱۳)

از میان ناقدان و نظریه‌پردازان بینامتنی، «ژولیا کریستوا» به محوری‌ترین تعریف آن اشاره کرده است: بینامتنی یعنی خلق متنی جدید، از طریق ارتباط و تعامل آن متن با متون دیگر.

برای انجام عملیات بینامتنی، باید سه عنصر اساسی را شناخت: ۱. متن غایب ۲. متن حاضر ۳. عملیات بینامتنی. در واقع متنی که در متن اصلی به کار گرفته شده را «متن غایب» و متن اصلی را «متن حاضر» می‌نامند و آثار و نشانه‌های متن غایب در متن حاضر، نوع و شکل عملیات بینامتنی را معین می‌کند. (۱۴)

ناقدان عرب برای «بینامتنی»، انواع و اشکال مختلفی ارائه داده‌اند، دکتر «عبدالملک مرتاض» در بررسی روابط بینامتنی معلقات سبع با متون دیگر، آن را به تناص لفظی، تناص مضمون و تناص ذاتی تقسیم کرده و سپس نوع روابط هر کدام را شرح داده است: (۱۵)

۱) تناص لفظی: در این نوع تناص، نویسنده و یا شاعر، به طور آگاهانه، واژگان اولیه متن غایب را به همان صورت، در متن حاضر به کار می‌برد.

۲) تناص مضمون: در این نوع تناص، نویسنده و یا شاعر، معانی مورد نظرش را به طور آگاهانه و با تاکتیکی خاص از متن غایب می‌گیرد و در متن حاضر به کار می‌برد.

۳) تناص ذاتی: این نوع تناص، به شکل عادی و از روی عرف در متن ادبی به کار می‌رود، ذکر اطلاق و دمن در شعر از این نوع است.

با توجه به موضوع این مقاله و مضامین گوناگون اشعار شاعران انتفاضه، علاوه بر سه موضوع ذکر شده، انواع دیگری از روابط بینامتنی نیز اضافه شده که شامل تناص فکری، تناص عنوان و





تناصر علم (شخصیت) است. در هر مورد، با استفاده از عملیات بینامتنی، رابطه بینامتنی شرح داده شده است.

۱) بینامتنی لفظی

نمونه اول

متن حاضر: یکی از شاعران انتفاضه به نام «موسی ابوجلیدان» در قصیده‌ای با عنوان «لیبک یا جنین» می‌گوید: «توافدوا کائهم للموت زائرون / و سَقَطَتْ قُلُوبُهُمْ وَ دَارَتْ الْعِیُونَ / وَ افْتَتَحُوا جِلْسَتَهُمْ بِأَیَّةٍ وَ آخَذُوا لَهَا یُرْدُّونَ / إِنْ جَنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَاجْنَحْ / إِنْ جَلَسُوا لِلْسَّلَامِ فَاجْنَحْ / هَذَا هُوَ خِیَارُنَا» (۱۶)

«ترجمه: گروه گروه وارد شدند، گویا که به دیدار مرگ می‌روند / دل‌هایش فروافتاد (ترس بر تمام وجودشان رخنه کرد) و چشمها به چرخش درآمد / و جلسه خود را با آیه‌ای از قرآن شروع کردند و آن را چندین بار تکرار کردند / اگر آنها خواستار سازش و مذاکره شدند، با آنها سازش کن / این تنها انتخاب ماست».

در این قصیده، شاعر به سران کشورهای عربی اشاره می‌کند که به منظور حل مشکل قدس و ملت مظلوم فلسطین در نشستها و کنفرانسهای بین‌المللی شرکت می‌کنند. شاعر با نیشخند و کنایه به آنان چنین می‌گوید: اگر آنها خواستار سازش و مذاکره شدند با آنها سازش کن.

متن غایب: در این قصیده شاعر با آیه «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ» (انفال، ۶۱)، ارتباط برقرار کرده است. در این آیه، خداوند خطاب به پیامبر(ص) می‌گوید: اگر دشمنان به صلح و سازش تمایل داشتند، تو نیز با آنان صلح کن و عاقبت کار خویش را به خدا واگذار نما.

عملیات بینامتنی: در متن حاضر، شاعر با تکیه بر دانش مخاطب خویش، قصد دارد از متن غایب (آیه قرآنی) در دو سطر پشت سرهم استفاده کند و در اینجا شاعر به شیوه هنرمندانه از متن پنهانی استفاده کرده است که در بحر رجز و بر وزن سروده خویش می‌باشد. در متن حاضر، سراینده قصیده، این آیه را با هدف طنز و نیشخند به مذاکرات سازش سران عرب با دشمن صهیونیستی به کار گرفته است. در حالی که در متن غایب خداوند با لحنی جدی به پیامبر(ص) می‌گوید که در صورت صلح و سازش کافران، تو نیز با آنان سازش کن. از ششاهکارهای سراینده این شعر، این است که وی به گونه‌ای آیه قرآنی را با سروده‌اش تلفیق کرده است که نه تنها دارای رابطه بین‌متنی، بلکه با دیگر عناصر ترکیبی سروده‌اش (یعنی وزن و موسیقی) نیز هماهنگ است و با تکرار آیه قرآنی در ساختار قصیده، به موسیقی آن شدت بخشیده است.

نمونه دوم

متن حاضر: «فاروق جویده» شاعر فلسطینی، در قصیده‌ای با عنوان «شهداؤنا» به زبان شهادی انتفاضه چنین می‌گوید: «وَاللَّهِ إِنَّا رَاجِعُونَ / سَنُخَلِّصُ الْمَوْتَى مِنَ الْأَحْيَاءِ / مَنْ سَفِهَ الزَّمَانَ الْعَابِثَ الْمَجْنُونَ / وَاللَّهِ إِنَّا قَادِمُونَ / لَا وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (۱۷)

«ترجمه: به خدا سوگند که ما باز خواهیم گشت / و مردگان را از دست زندگان نجات خواهیم داد / از این روزگار دیوانه / به خدا سوگند که ما خواهیم آمد / میندار، کسانی که در راه خداوند کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند».

شاعر در این سروده، با اشاره به اوضاع بد و اسفبار کشور خود، به سرگذشت شهادت‌طلبان فلسطینی اشاره می‌کند که مشتاق تحقق وعده پروردگارشان هستند.

متن غایب: این قصیده با گونه واحدی از متن غایب (قرآن) ارتباط دارد: «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹).

عملیات بینامتنی: در سوره مبارکه آل عمران، خداوند به جاودانگی شهیدان و پاداش به آنان وعده داده است. شاعر در این قصیده، بدون هیچ گونه تغییری آیه قرآنی را در سروده خویش به کار برده است. در این نوع رابطه بین‌متنی، هدف شاعر بیشتر بسط و گسترش معانی شعر و ارائه تصویری چندبعدی از زندگی شهادت‌طلبان فلسطینی می‌باشد. وی در این سروده، به گونه‌ای آیه قرآنی را به کار برده که حتی از لحاظ فکری نیز با متن حاضر هماهنگ می‌باشد.

۲) بینامتنی فکری

نمونه اول

متن حاضر: «فوزی شداد» یکی دیگر از شاعران انتفاضه است که در این باره می‌گوید: «الْقُدْسُ أَرْضِي الْقُدْسُ عَرْضِي / الْقُدْسُ أَيْمَامِي وَاحِلَامِي النَّدِيَّةُ / يَا مَنْ قَتَلْتُمْ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ الْأَتْقِيَاءِ / يَا مَنْ تَرَبَّيْتُمْ عَلَى سَفْكِ الدَّمَاءِ / الذَّلُّ مَكْتُوبٌ عَلَيْكُمْ وَ الشَّقَاءُ / يَا بَنِي صَهْيُونَ يَا شَرَّ الْبَرِيَّةِ يَا فَرُودًا هَمَجِيَّةً يَا خَنَازِيرًا شَقِيَّةً / الْقُدْسُ لَيْسَتْ وَكَرْكُمُ / الْقُدْسُ تَأْتِي جَمْعَكُمْ / الْقُدْسُ تَلْفُظُ رَجْسَكُمْ / فَالْقُدْسُ يَا أَنْجَاسُ، عَذْرَاءُ تَقِيَّةٍ / وَ الْقُدْسُ يَا أَدْنَاسُ، طَاهِرَةٌ تَقِيَّةٌ» (۱۸)

«ترجمه: قدس سرزمین و آبروی من است / قدس روزگار و رؤیاهای تر و تازه من است / ای کسانی که پیامبران پرهیزکار خدا را کشتید / ای کسانی که برای ریختن خونها تربیت داده شده‌اید / خواری و بدبختی برای شما مقدر شده است / ای صهیونیستها، ای بدترین مردمان، ای بوزینه‌های وحشی، ای

خوکهای بدبخت / قدس آشیانه شما نیست / قدس از شما متنفر است / قدس ذات کثیف شما را چون تفی بیرون می‌اندازد / ای افراد کثیف، قدس دوشیزه‌های است پاکیزه / و باز ای افراد دون صفت، قدس پارسایی پاکیزه است».

در این قصیده، «فوزی شداد» ضمن اعلان بیزاری از صهیونیستها، قدس را متعلق به ملت فلسطین برمی‌شمارد و از آن به نام سرزمین خاطرات و آرزوهای ایشان یاد کرده است، و سپس می‌گوید که یهودیان همواره در طول تاریخ، انسانهای پلید و خون‌ریزی بوده‌اند و قدس جای انسانهای پلید و ناپاک نیست.

متن غایب: این قصیده به شکلهای مختلفی با آیه «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره، ۶۱) ارتباط دارد. این آیه به یهودیانی اشاره دارد که کفر ورزیده و پیامبران الهی را به قتل می‌رسانند، به همین دلیل نیز همواره مورد غضب الهی بوده‌اند.

عملیات بینامتنی: در اینجا شاعر، با اشاره به متن پنهان در پی آن است تا اندیشه خود را به خوبی به مخاطب انتقال دهد. مهارت شاعر در این است که با اشاره به پیشینه سیاه یهودیان، در پی شناساندن ویژگیهای آنها به مخاطب خویش است و بدین منظور برای توصیف صهیونیستها از عباراتی همچون «یا قرو، و یا خنازیر» استفاده می‌کند که لایق آنها می‌باشد. (۱۹)

نمونه دوم

متن حاضر: «خمیس» از دیگر شاعران انتفاضه می‌باشد که در قصیده‌اش با عنوان «مخلوقات غیرعادی» از آیات قرآنی استفاده کرده است: «كُلُّ الَّذِي فِي الْأَرْضِ أَعْرَفُهُ وَيَعْرِفُنِي / وَيَشْهَدُ بِإِنْتِمَائِي / لَنْ يَأْخُذَ الْمُحْتَلِلُ مَا مَلَكَتْ يَدَايَ بِالْإِدْعَاءِ وَالْاِفْتِرَاءِ / وَأَنَا الْفَلَسْطِينِي، أَصْلِي ثَابِتٌ فِي الْأَرْضِ وَفَرَعِي فِي السَّمَاءِ».

ترجمه: همه مردم این سرزمین را می‌شناسم و آنها نیز مرا می‌شناسند / و همه شهادت می‌دهند که من از این سرزمینم / اشغالگران با ادعاهای دروغین و افترا نمی‌توانند، سرزمینم را از چنگم بیرون بیاورند / من فلسطینم، ریشه‌ام در خاک این سرزمین، ریشه دوانده و قامت بر آسمان این سرزمین برافراشته شده است».

در این قصیده، شاعر در بیشتر مقاطع، به درگیری موجود با صهیونیستها اشاره کرده و آنها را افراد بی‌هویتی می‌داند که با دروغ و نیرنگ در پی اشغال سرزمینش می‌باشند. سپس به هویت تاریخی خود می‌پردازد. وی می‌گوید که خون سرخ من گواه تاریخ درخشان سرزمینم می‌باشد.

متن غایب: این قصیده با این آیه ارتباط دارد «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلَّتْهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم، ۲۴). در این آیه، خداوند خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید که اصل و ساقه سخن نیکو و زیبا، همواره ثابت و پابرجا می‌باشد و شاخه آن به آسمان (رفعت و سعادت) بالا می‌رود.

عملیات بینامتنی: این رابطه بین متنی مطرح شده در متن، به معنای شعر وسعت بخشیده است و به معنای پنهانی اشاره دارد که حاصل آن برداشتها و تأویلهای متفاوت از معنای این قصیده می‌باشد. در هر دو متن حاضر و غایب، به اصل اندیشه پاک و نیکو اشاره شده است. در واقع هدف شاعر از کاربرد این نوع تناس، این می‌باشد که می‌خواهد بگوید: وی دارای پیشینه تاریخی درخشانی می‌باشد، ولی صهیونیستها با تحریف متون دینی و ادعاهای دروغین خود، سرزمین قدس و بیت المقدس را متعلق به آبا و اجداد خود می‌دانند، در حالی که این طور نیست.

همچنان که در قرآن آمده است: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم، ۲۶). در این قصیده، روابط بین متنی با آیات قرآن از لحاظ فکری به طور کامل محقق شده است. شاعر در این قصیده، با کاربرد تفکر قرآنی، به سروده خویش پشتوانه‌ای دینی داده است که دال بر پلیدی و بی‌هویتی صهیونیستها در طول تاریخ می‌باشد.

۳) بینامتنی مضمون

نمونه اول

متن حاضر: از دیگر شاعران انتفاضه «کمال غنیم» است که در قصیده‌ای با عنوان «هاجر فی القرن العشرين» در گفتگوی دراماتیک میان هاجر و حضرت ابراهیم که نماد فلسطین می‌باشد، چنین می‌آورد: «نَاشَدْتُكَ الْأَتْرُكْنَا / الظَّمَا يُجُوسُ بِأَضْلَاعِي / وَعُرُوقِي تَنْزِفُ فِي قَبْرِي / رَحْمَاكَ فَلَکِشْ يَنْغُو / رَحْمَاكَ وَ لَا أَفْتَدَةُ تَهْوِي / لَا أَسْمَعُ خُطُوتِ قَادِمَةٍ / لَا أَسْمَعُ حَتَّى هَمْسِ الْأَقْدَامِ!» (۲۰).

ترجمه: از تو خواستم که ما را ترک نکنی / تشنگی در میان قفسه‌های سینه‌ام به چرخش درآمده / و رگهایم در درون قبرم خون‌ریزی می‌کند / رحمی بر ما آور؛ دیگر نه گوسفندی صدا می‌کند / بر ما رحم کن؛ نه دلها به سوی ما پر می‌کشد / نه صدای قدمهایی را که به سوی ما می‌آیند، می‌شنوم / و نه نجوای گامها را می‌شنوم».

در این قصیده، شاعر به داستان حضرت ابراهیم و هاجر اشاره میکند. در اینجا «هاجر» نماد فلسطین می‌باشد، در واقع شاعر در این قصیده، با کاربرد رمزگونه واژه «هاجر» به اوضاع تأسفبار فلسطین اشاره می‌کند، در حالی که از ساکنینش





تقاضای کمک و دادخواهی دارد.

متن غایب: متن غایب این قصیده، شامل مضمون داستان حضرت ابراهیم (ع) می‌باشد که در گفتگو با خداوند می‌گوید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۳۷).

این آیه به داستان حضرت ابراهیم اشاره دارد، زمانی که با همسر و فرزند خویش، در کنار کعبه، در بیابان خشک و بی آب و علفی، ساکن می‌شود. حضرت ابراهیم در این آیه، خداوند را مورد خطاب قرار می‌دهد و از خداوند می‌خواهد که آنان را روزی دهد و دل مردم را به سویشان جذب کند.

عملیات بینامتنی: این قصیده با گونه‌های مختلف متن غایب، کاربرد دارد که برجسته‌ترین آن، تعامل با مضمون حکایت حضرت ابراهیم (ع) و سکونت وی در کنار خانه خدا می‌باشد. متن حاضر، بیانگر واقعه تراژدیک ملت فلسطین و شیوه کمک خواهی آنان از دیگر برادران عربشان می‌باشد. در متن غایب، ابراهیم (ع) از خداوند می‌خواهد که به خانواده‌اش روزی ارزانی فرماید، تا از این وضع دشوار رهایی یابند. در اینجا، مشکل حضرت ابراهیم (ع) به بهترین شکل حل می‌شود و ثمره بی نظیری در پی دارد که همان جذب دلها به سوی خانه خدا و رفع نیاز خانواده‌اش بود، ولی در متن حاضر، شاعر فقط در حالتی رؤیایگونه به سر می‌برد.

نمونه دوم

متن حاضر: «فاروق جویده» یکی دیگر از شاعران انتفاضه می‌باشد که در قصیده‌ای با عنوان «ماذا تبقى من بلاد الانبياء» چنین می‌سراید: «يا ليلة الإسراء عودی بالصَّيَاءِ / هُزِّي بِجَذَعِ النَّخْلَةِ العذراءِ / يَتَساقَطُ الأملُ الوليدُ على رُبوعِ القدسِ / تَتَنَفَّضُ الماذنُ، يبعثُ الشُّهداءُ / تَتَدَفَّقُ الأنهارُ، تَشْتعلُ الحرائقُ، تَسْتَعِيبُ الأَرْضُ...» (۲۱)

«ترجمه: ای شب اسراء با نور برگرد / درخت خرماي بی‌ثمر را تکان بده / تا امید روئیده بر تپه‌های قدس فروافتد / تا گلدسته‌ها برافراشته شود / تا شهیدان برانگیخته شوند، رودخانه‌ها جاری شوند، آتشها برافروخته شوند،...»

این قصیده، درباره اوضاع تأسف بار فلسطین است، شاعر با اشاره به وضع کنونی کشورهای عربی و به ویژه فلسطین، در انتظار معجزه‌ای آسمانی است. در اینجا، «نخل» نماد جنبش انتفاضه می‌باشد که حالتی از بی‌ثمری به خود گرفته است. شاعر با کلمات شورانگیز خود، قصد به اهتزاز در آوردن درخت نخلی را دارد که با جنبش آن، به تمامی خواسته‌های خود جامه عمل ببوشاند.

متن غایب: متن پنهان این قصیده، شامل داستان حضرت مریم

هنگام تولد حضرت عیسی (ع) می‌باشد: «و هُزِّي إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُساقَطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا» (مریم، ۲۵). در آیه، خداوند حضرت مریم را به کنار درخت نخلی راهنمایی کرد، تا آرامش یابد و از خرماي آن بخورد. (۲۲)

عملیات بینامتنی: این قصیده به گونه‌های مختلفی با متن غایب ارتباط دارد که برجسته‌ترین آن، ارتباط با مضمون حکایت حضرت مریم هنگام تولد حضرت عیسی (ع) می‌باشد. شاعر با به کار بردن واژه «هُزِّي» منتظر رخ دادن معجزه آسمانی است. معجزه‌ای که از لحاظ زمان و مکان با «سرزمین اسراء» (بیت المقدس) ارتباط دارد.

در این قصیده، شاعر به شیوه زیبایی، مشکلات سرزمین قدس و اهالی آنجا را در تقابل با مشکل حضرت مریم قرار داده است. در متن غایب، مشکل حضرت مریم به بهترین شکل حل می‌گردد و ثمره و نتیجه‌ای به دنبال دارد که همان تولد حضرت عیسی باشد. اما در متن حاضر جز «روح امیدواری» چیز دیگری یافت نمی‌شود. شاعر در این سروده، با به کار گیری جمله‌های فعلیه‌ای که بر حدوث و تجدد دلالت دارد «بِساقَطِ، تنفض، يبعث، تدفق» به ادامه حرکت مستمر جنبش انتفاضه در حال و آینده اشاره می‌کند، در واقع شاعر در اینجا، با ارائه مضمون قرآنی، روح امید را در مخاطبان‌ش زنده کرده و آنها را به آزادسازی قدس از دست اشغالگران بشارت می‌دهد.

۴) بینامتنی عنوان

کاربرد نام بعضی از سوره‌های قرآن کریم در آثار ادبی، از دیگر اسلوبهای فنی شاعران انتفاضه می‌باشد. این شاعران در قصاید خود، میان معانی دینی این سوره‌ها و قضایای مربوط به ملت فلسطین، ارتباط ایجاد کرده‌اند.

نمونه

متن حاضر: «عبدالکریم العسولی» از جمله شاعرانی می‌باشد که از این فن استفاده کرده است. وی در قصیده‌ای در بزرگداشت شهادت مادر شهادت طلب «وفاء ادریس» چنین می‌گوید: «خَرَجَتْ وفاءٌ مع السَّحَرِ. ماودَعَتْ أهلاً و ما أَلَقَتْ خَبِرَ / قرأتُ تَبَارَكَ و المَعَارِجِ و الزَّمْرِ / وَرَنَّتْ لَطْفُ لِنَحْوِها أَلْقَى النَّظْرَ / ضَمَّتْهُ فِي أَحْصَانِها و بَكَتْ طويلاً و اسْتَعَدَّتْ لِلسَّفَرِ» (۲۴)

«ترجمه: وفا، صبحگاهان عزیمت کرد. با خانواده خود خداحافظی نکرد و اطلاعی هم نداد / سوره‌های تبارک، المَعَارِجِ و الزَّمْرِ را خواند / و به کودکی که به او نگاه می‌کرد، خیره شد / آن کودک را در آغوش گرفت و بسیار گریست و آماده سفر شد.»

شاعر در این قصیده، با ذکر عنوان سوره‌های «تبارک، معارج و زمر» در پی تبیین معانی و مضامین جهادی این سوره‌ها

می‌باشد، مضامینی که شامل عدم تسلیم شدن در برابر دشمنان، اکرام شهیدان و منزلت والای آنان نزد خداوند تبارک و تعالی می‌باشد.

متن غایب: در سوره معارج، به معانی والایی چون اعتقاد به روز جزا، وفای به عهد، اقامه نماز و همچنین نعمتهای الهی اشاره شده است. خداوند تبارک و تعالی در سوره زمر می‌فرماید: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يظَلْمُونَ. وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ» (زمر، ۷۰ و ۶۹).

عملیات بینامتنی: در سطر سوم این قصیده، شاعر بدون اشاره به معانی و مضامین سوره‌های ذکر شده، ارتباط بینامتنی زیبایی برقرار ساخته است. شاعر در اینجا، با ذکر عنوان سوره‌ها، خواننده را بر آن می‌دارد تا برای درک و فهم متن حاضر، به متن غایب (سوره‌های ذکر شده) رجوع کند. در واقع برجسته‌ترین شکل ارتباطی متن پنهان با متن حاضر، عنوان سوره‌های ذکر شده می‌باشد، این قصیده در بحر کامل سروده شده است. در اینجا، شاعر با استفاده از موسیقی واژگان و تکرار مصوت «راء» در قافیه، احساسات سرکوب شده شهیده «وفاء ادریس» را در انتقام‌گیری از صهیونیستها، به خوبی به مخاطب خویش انتقال داده است.

۵) بینامتنی علم (شخصیت)

ذکر نام شخصیت‌های قرآنی، از دیگر ویژگی‌های بارز ادبیات انتفاضه می‌باشد. در این میان، اسامی پیامبران الهی همچون موسی (ع)، ایوب (ع)، نوح (ع) و پیامبر اکرم (ص) در این متون به کار رفته است. ناقدان و نویسندگان عرب در آثار خود از این نوع تناص به «استدعاء الشخصیات الدینیة» یاد کرده‌اند. (۲۵)

نمونه

متن حاضر: «ابراهیم اسحاق» از جمله شاعرانی است که از شخصیت حضرت موسی (ع) در شعرش استفاده کرده است: «يَا لَيْلَ أَقْصَانَا الطَّوِيلِ / مَرَّتْ سُوَيْعَاتُ الْعَسْقِ / ضَاءَتْ أَغَانِينَا الْأَرْقِ / وَ تَوَهَّجَ الْأَفْسُقُ الْعَرِيقُ فِي نُورِ إِصْبَاحِ الْفَلَقِ / كَالْبَحْرِ يَامُوسَى تَحْوُضُ / نَحْوَ أَنْبِجَاسِ الضُّوءِ فِي صَخْرَةِ الْبَقَاءِ» (۲۶)

«ترجمه: ای شب طولانی ما در تبعیدگاه / ساعات کوتاه تیرگیها گذشت / سروده‌های ما پرتوی بر بی‌خوابی ما افکند / و افق غرق در نور شفق غروب، شعله‌ور گشت / همانند دریایی که ای حضرت موسی در دل آن وارد می‌شوی / به سوی نوری که از دل سنگهای پایداری، می‌شود».

بدون تردید رژیم اشغالگر قدس، عامل اصلی فتنه و آشوب در خاورمیانه است که روز به روز بر اشغالگری و فتنه‌انگیزی خود می‌افزاید، ولی با وجود وضع اسفناک و بغرنج فلسطین، همچنان روح امید در اشعار شاعران انتفاضه موج می‌زند.

در این قصیده، شاعر با استفاده از داستان حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل در قرآن، توانسته معنای مورد نظر خود را به خوبی به مخاطبان خود، انتقال دهد.

متن غایب: این قصیده در واقع نمایانگر شخصیت هدایتگر و نجات‌بخش موسی (ع) می‌باشد که آیه‌های مختلفی از سوره بقره و قصص را شامل می‌گردد، ولی بیشترین ارتباطش با آیات «وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره، ۵۰) و «وَ إِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (بقره، ۶۰) است.

در متن غایب، داستان حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل بیان شده است، در آیه اول، خداوند متعال به شکافته شدن دریا، نجات بنی اسرائیل و نابودی فرعون اشاره می‌کند و سپس به داستان قوم بنی اسرائیل می‌پردازد که در بیابان از حضرت موسی (ع) طلب آب کردند و ایشان عصای خویش را بر سنگ زد و دوازده چشمه از سنگ جوشید.

عملیات بینامتنی: شاعر در این قصیده، از متن غایب به شیوه غیر مستقیم استفاده کرده و با به کار بردن اسم حضرت موسی (ع) که در قرآن نماد نجات‌بخشی و ظلم‌ستیزی می‌باشد، خواننده را به سمت متن غایب سوق داده است. در این عملیات دو طرف ستمگر «فرعون و رژیم صهیونیستی»، موجود می‌باشد، اما در متن حاضر، اثری از شخصیت منجیگری چون موسی وجود ندارد. ولی با این حال شاعر با به کار بردن افعال ماضی چون «مرت و توهج» از سپری شدن روزهای آوارگی و تیره‌بختی خود و ملتش خبر می‌دهد، به طوری که گویی پیروزی محقق گشته است.

نتیجه‌گیری

شاعران انتفاضه در راستای بیان اهداف و موضع‌گیریهای خود در قبال جنبش انتفاضه، آرایه‌های ادبی نوینی را در اشعار خود به کار گرفتند که یکی از بارزترین آنها تناص می‌باشد، با بررسی روابط بینامتنی اشعار شاعران انتفاضه با قرآن کریم، درمی‌یابیم که تناصهای به کار رفته در اشعار این شاعران شامل: لفظی، فکری، مضمون، موسیقی و شخصیت (علم) است که بیشترین گونه ارتباطی این اشعار با قرآن کریم، از نوع تناص مضمون و به صورت آگاهانه می‌باشد. شاعران انتفاضه با استفاده از مضامین فکری و محتوایی متن قرآنی، رو به سرودن اشعاری آورده‌اند که روح حماسه و دلآوری را در جان مبارزان زنده می‌کند و آنان را به ادامه راه پایداری و شهادت رهنمون می‌سازد.



۱. انتفاضة الاقصى، ص ۱۵۲.
۲. قضايا الحدائثة عند عبدالقاهر الجرجاني، ص ۱۵۴.
۳. شعرية الخطاب السردى، ص ۲۵۲.
۴. «التنصا ص مع القرآن الكرىم فى الشعر العربى المعاصر»، ص ۱۳۶.
۵. «فكرة السرقات الأدبىة و نظرىة التنصا ص»، ص ۱۸۳.
۶. كلام، مكالمه و رمان، ص ۴۴.
۷. بىنامتنىت، ص ۷۳.
۸. «بىرامتنىت یا منتهای ماهوارهاى»، ص ۸۴.
۹. مناسبات بىنامتنى، ص ۱۲۷.
۱۰. هنر به مثابه فن، ص ۴۹.
۱۱. الشعر العربى الحدىث، ص ۱۸۶.
۱۲. مناسبات بىنامتنى، ص ۸۵.
۱۳. «روابط بىن منن قرآن با اشعار احمد مطر»، ص ۲۹۹.
۱۴. «فكرة السرقات الأدبىة و نظرىة التنصا ص»، ص ۱۴.
۱۵. همان، صص ۳۶۹-۳۹۰.
۱۶. مختارات من شعر انتفاضة الأقصى المباركة، ص ۱۱۶.
۱۷. همان.
۱۸. همان، ص ۱۳۱.
۱۹. همان.
۲۰. همان.
۲۱. همان، ص ۳۰۷.
۲۲. ترجمه تفسىر طبرى، ص ۲۱۶.
۲۳. مختارات من شعر انتفاضة الأقصى المباركة، ص ۱۲۱.
۲۴. همان.
۲۵. استدعاء الشخصىيات التراثىة فى الشعر العربى المعاصر، ص ۱۲۵.
۲۶. مختارات من شعر انتفاضة الأقصى المباركة، ص ۴۱.

کتابنامه

۱. قرآن كرىم.
۲. آلن گراهام، بىنامتنىت، ترجمه بىام يزادن جو، تهران، نشر مركز، ۱۳۸۰ش.
۳. انتفاضة الاقصى، يومىات و وثائق، كتاب دهسم، غزه، الهىة العامة للاستعمالات، ۲۰۰۲م.
۴. بنىس، محمد، الشعر العربى الحدىث، جلد سوم: الشعر المعاصر، مغرب، دارتو بقال، ۱۹۹۰م.
۵. جربوع، غزه، «التنصا ص مع القرآن الكرىم فى الشعر العربى المعاصر»، قاهره، مجلة فكر و ابداع، شماره ۱۳، ۲۰۰۲م.
۶. زاید، على عشرى، استدعاء الشخصىيات التراثىة فى الشعر العربى المعاصر، طرابلس، منشورات الشركة الحامة للنشر و التوزىع و الاعلان، ۱۹۷۸م.
۷. شكوفسكى، وىكتور، هنر به مثابه فن، ترجمه هادى ساسانى، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامى، ۱۳۸۰ش.
۸. صفوى، كورش، مناسبات بىنامتنى، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶ش.
۹. عزام، محمد، شعرىة الخطاب السردى، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب، ۲۰۰۵م.
۱۰. عبدالمطلب، محمد، قضايا الحدائثة عند عبدالقاهر الجرجانى، قاهره، الشركة المصرىة العالمىة للنشر، ۱۹۹۵م.
۱۱. كرىستوا، ژولبا، كلام، مكالمه و رمان، ترجمه بىام يزادن جو، تهران، نشر مركز، ۱۳۸۱ش.
۱۲. كلحوت، يوسف، مختارات من شعر انتفاضة الأقصى المباركة، غزه، المركز دولى للنشر، چاپ دوم، ۲۰۰۴م.
۱۳. مرتاض، عبدالملك، «فكرة السرقات الأدبىة و نظرىة التنصا ص»، جده، مجله علامات، النادى الأدبى شماره ۱، ۱۹۹۱م.
۱۴. مىرزایسى، فرامرز، «روابط بىن منن قرآن با اشعار احمد مطر»، نشرىه دانشكده ادبىات، دانشگاه شهىد باهنر كرمان، شماره ۲۵، ۱۳۸۸ش.
۱۵. نامور مطلق، بهمن، «بىرامتنىت یا منتهای ماهوارهاى»، مقالات دومىن هم اندىشى نشانه شناسى هنر، به اهتمام حمىد رضا شعبرى، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۵۸ش.
۱۶. بىغماىى، حىبب، ترجمه تفسىر طبرى، فراهم شده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانى، جلد اول، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۶ش.

